
نقش وعده‌های الهی در تحقق سبک زندگی انقلابی - اسلامی

رضا مهدیان فر^۱ (نویسنده مسئول)
سیده آرزو بنی صدر^۲

چکیده

سبک زندگی اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم استوار است و در تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان تحقق می‌یابد. این شیوه زندگی، انسان را به سعادت جاودان خواهد رساند. با توجه به آن که انقلاب اسلامی بستری مناسب برای تجلی سبک زندگی اسلامی فراهم نمود و نیز با توجه به این که در بیانیه گام دوم امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) این انقلاب را انقلابی می‌دانند که دین و دنیا را در کنار هم مطرح نمود، این موضوع که وعده‌ها و بشارت‌های قرآنی در شکل‌گیری این سبک زندگی مؤثر هستند یا نه و اگر هستند دامنه تأثیرشان چقدر است، باید پاسخ داده شود. در این پژوهش سعی بر آن است تا به نقش وعده‌های الهی و اثرات آن در زندگی پرداخته شود. در نهایت درمی‌یابیم که وعده‌های الهی نقش مهمی در شکل‌گیری این سبک دارند. این وعده‌ها در ابعاد زندگی فردی و جمعی

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم rezamahtab52@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن. arezo.banisadr@yahoo.com

بررسی شده تا هم انگیزه و امید وافر گردد و هم بایدهای آموزه‌های اسلامی به طور جزئی‌تر تبیین شود که منجر به آگاهی و اصلاح عمل خواهد شد. این مهم از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی میسر گشته است.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، سبک زندگی، وعده‌های الهی، ایمان، عمل صالح.

مقدمه

از ویژگی‌های مؤمن هوش و زیرکی اوست که در هر زمان بهترین تدبیر را به کار بندد تا بیشترین سود نصیبش گردد. در زندگی کوتاه دنیوی که قرار است سازنده زندگی جاودان ما باشد، فرد مؤمن بهترین راه را برمی‌گزیند تا بیشترین غنیمت را جمع کند. بهترین راه همان راهی است که خدای حکیم به انسان معرفی نموده است؛ راهی برمبنای تعلیمات قرآنی. پیش برد زندگی بر این، همان سبک زندگی مؤمنانه و اسلامی است که ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بر این طریقت بوده‌اند. بایدها و نبایدهایی که در این شیوه رعایت می‌شود، برمبنای اندازها و بشارت‌های قرآن استنباط شده‌اند.

از آنجاکه انسان کمال طلب همواره برای گام برداشتن در پی رسیدن به کمالات بیشتر است، لذا خدای رحمان به کرات از وعده‌های نیک سخن گفته تا او را به این مسیر مشتاق نماید و تا آن جا پیش رود که به فردوس مشرف گردد. پس نقش وعده‌های الهی در سبک زندگی اسلامی نقشی کلیدی و پیش برنده است که این نوشتار در حد بضاعت، عهده‌دار بیان این وعده‌ها در ابعاد مختلف زندگی انسان است.

در نوشتارهای پیشین صرفاً به بیان چیستی سبک زندگی با محوریت مباحث نظری پرداخته شده است که این مباحث به حد کافی ملموس و قابل درک نیستند. موضوع تحقق سبک زندگی اسلامی و ایرانی دو شرط دارد یکی آگاهی استدلالی است و دیگری عزم اجتماعی و ملی. یعنی تصمیم‌گیری برای این‌که بر طبق آن آگاهی‌ها عمل کنیم وگرنه صرف آگاهی و انباشتگی ذهن از مفاهیم نظری مشکل ما را حل نمی‌کند؛ البته آگاهی نسبت به مبانی نظری لازم است، اما کافی نیست (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۲). این تصمیم‌گیری بایمان مشوق‌هایی مثل وعده‌های الهی و نیز بیان آن‌که در هر بعد از زندگی چگونه سبک اسلامی تجلی می‌یابد، محقق می‌شود.

از باب نمونه به دو مورد از پژوهش‌ها در این زمینه اشاره می‌گردد:

مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷) «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم

اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.
منگالی، زهرا، مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌های معنوی، ۲۷ مهر
۱۳۹۶.

جزئی‌نگری و بسط سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف زندگی با این نوع تقسیم‌بندی
شفاف و زاویه دید، از وجوه امتیاز این مقاله نسبت به پژوهش‌های پیشین است.
در این مجال سعی ما بر تبیین نقش وعده‌های الهی و جلوه‌های بارز آن در زندگی، در
سه سطح زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که منجر به آگاهی و اصلاح عمل
خواهد شد. این مهم از روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای
میسر گشته است.

معناشناسی

وعده: «وعد» در لغت به معنی عهد است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۷) و در اصطلاح
عبارت است از تعهد کردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شر و اختصاص پیدا
کردن به یکی از آن‌ها به واسطه قرینه، معین می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۱۹) از
کاربردهای قرآنی این واژه به دست می‌آید که تعهد به انجام کاری در آینده را وعده می‌گویند.
وعده برای امری است که در آینده مجال ظهور می‌یابد. بیشترین کاربرد این واژه در خیر
است چنانچه در مفاهیم عرفی هم همین معنا را قصد می‌کنند (مهدیان فر، ۱۳۹۴، ص ۶۵).
وعد به معنای نوید دادن و وعید به معنای تهدید کردن و ترساندن به کار می‌رود (غیاثی،
۱۳۸۹، ص ۴۷۷).

وعده در قرآن: واژه وعد در قرآن بارها و در موقعیت‌های متفاوت صادر شده که نشان از
اهمیت این مطلب دارد. این‌ها شامل وعده‌های دنیوی و اخروی می‌شود که نوشتار حاضر،
به بررسی وعده‌های خیر دنیوی و نقش آن‌ها در سبک زندگی اسلامی می‌پردازد.
البته این آمار مربوط به مواردی هست که صریح و مستقیم و با بیان کلمه وعده‌ها
بشارت داده شده‌اند؛ اما نباید غافل شد از وعده‌هایی که به نحوی دیگر بیان شده‌اند، مثل

وعده نصرت و آسانی همراه با سختی‌ها در سوره شرح: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح - ۵)؛ (آری)؛ به یقین با سختی آسانی است. نیاز مسئله‌ساز است و مسئله انگیزه‌ساز. انگیزه هم عامل و سبب عمل و حرکت است. نیاز به راحتی، خوشی‌ها و لذت‌ها باعث ایجاد مسئله برای انسان خواهد شد و وعده‌هایی که در قرآن آمده منطبق بر این نیازهای ذاتی انسان است تا با ایجاد انگیزه در وی، عمل صالح را باعث شود.

سبک: واژه «سبک» به معنای طرز، شیوه، روش (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۸۲۱) می‌باشد و سبک زندگی عبارت است از: «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۱).

سبک زندگی توحیدی: اساس کار دعوت انبیا، دعوت به توحید است... عقیده به توحید، یک پایه و استوانه یا زمینه اساسی یک جهان‌بینی است که زندگی را می‌سازد. عقیده به توحید یعنی جامعه توحیدی به وجود آوردن؛ جامعه‌ای که بر مبنای توحید شکل بگیرد و اداره بشود؛ عقیده به توحید این است؛... انبیا آمدند، شکل جامعه را مورد اعتراض و تعرض خودشان قرار دادند؛ یک شکل جدید را، یک هندسه جدید را برای شیوه زندگی بشر ارائه کردند. آن شیوه زندگی، همان حیات طیبه است. آن همین زندگی است درحالی‌که با ایمان باشد... (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۹۶/۶/۶).

ایمان به وعده‌های الهی

در فرهنگ قرآن، ایمان به خدا یک‌طرفه نیست. خداوند متعال در قبال ایمان آوردن بندگان همیشه یکسری از ثواب‌ها و پاداش‌ها را در نظر گرفته است. قرآن کریم در برخی موارد این وعده‌های جزای الهی را به صورت حقی بر عهده خداوند بیان می‌کند. اصطلاح «حقوق» و دوطرفه بودن آن، در روابط میان بندگان امری روشن و واضح است؛ یعنی هر یک از بندگان در قبال حقی که بر دیگران دارند، متقابلاً دیگران هم نسبت به او حقی دارند که

باید رعایت نمایند و اگر حقی بخواید یک طرفه باشد، شایسته خداوند و به خاطر قدرت و عدالت او است. با این حال خداوند از سر تفضل، حقوق میان خود و بندگانش را نیز دوطرفه قرار داده است، یعنی در قبال بندگی آن‌ها، جزای بهشت را قرار داده است (ر. ک: نهج البلاغه خطبه ۲۱۶).

اما این ایمان چیست و چگونه باید باشد تا وعده بهشت که جایگاه مقربان است، در قبال آن برابری کند؟ «برای این که ما ارزش ایمان را و نتیجه ایمان را بدانیم، لازم است از مژده‌ها و نویدهایی که خدا به مؤمنین داده است، آگاهی پیدا کنیم، ببینیم خدای متعال برای مؤمن، در مقابل ایمانش و در مقابل عمل شایسته‌اش و انجام تعهداتش، متقابلاً چه چیزی را تعهد می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸)

در سبک زندگی مؤمنانه، ایمان به تحقق وعده‌های خداوند نقش به‌سزایی در ایجاد صبر و امید داشته و او را به حرکت وامی‌دارد تا به سوی هدف گام بردارد. از سوی دیگر این وعده‌ها نقش هدایتگری را نیز بر عهده دارند؛ زیرا وقتی جهت تشویق به انجام عملی، وعده‌ای نیکو داده می‌شود، مؤید آن است که آن عمل برای گزینش و انجام اصلح است. پس مؤمن با اندکی تأمل درمی‌یابد که چنین انتخابی در مسیر زندگی، هدایتگر به سوی تقرب محبوب است. این تأثیر هم در فرد و هم در جامعه متجلی خواهد شد زیرا جامعه اسلامی برآیندی است از باورهای تک‌تک افراد آن. «وعده الهی می‌گوید که اگر مجموعه‌ای، جامعه‌ای، دنبال دنیاطلبی باشند و تلاش کنند، به آن می‌رسند؛ اگر دنبال ارزش‌های معنوی و تعالی حقیقی باشند و تلاش کنند، به آن می‌رسند: ﴿كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ...﴾ (اسراء / ۲۰)؛ هر یک از این دو گروه را (به‌اندازه شایستگی آن‌ها) از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم.... هم دنیاطلبان را خدای متعال کمک می‌کند، هم ارزش طلبان و تعالی طلبان را خدای متعال کمک می‌کند؛ منتها آن کسانی که همشان فقط به قدر فراورده‌های زندگی مادی است، به همین می‌رسند؛ معنای زندگی حقیقی را نمی‌فهمند، طعم معنویت را نمی‌چشند؛ البته این [طور] است.» (بیانات رهبری در دیدار

بسیجیان، ۹۶/۹/۱)

انسان مختار است تا هریک از این دو را برگزیند، اما آنچه می‌تواند انسان را به انتخابی درست رهنمون شود، عقل است؛ عقلی که ایمان آن را به کمال رسانده و تمیز دهنده حق و باطل خواهد بود. «قوه عاقله چیست؟ عقل چیست؟ عقل در ادبیات اسلامی فقط آن دستگامی نیست که محاسبات مادی می‌کند برای ما؛ نه **الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ**؛ عقل این است. **الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي**؛ عقل این است. عقل باید بتواند انسان‌ها را تعالی ببخشد. عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قُرب می‌رساند، به مقام توحید می‌رساند؛ در یک سطح پایین‌تر، عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی می‌رساند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند؛ همه این‌ها کار عقل است.» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۳/۲۰)

اگر انسان به‌طور قطع و عاقلانه اسلام را برگزیند می‌باید مسیر و شیوه زندگی خود را منطبق بر آموزه‌های قرآن قرار دهد و طبق بایدها و نبایدهای اسلامی گام بردارد؛ این همان سبک زندگی اسلامی است که هادی انسان به سعادت جاودان خواهد بود. از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آموزه‌های قرآن کریم که باید در سبک زندگی اسلامی، سرشار و مشهود باشد، ایمان و عمل صالح است که در نتیجه آن دو یکی از زیباترین وعده‌های خداوند تحقق می‌یابد و مؤمن به حیات طیبه می‌رسد:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، به‌طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و

آسمان زندگی را تیره‌وتار می‌سازد در امان است (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۱۱).

مصدق تجلی چنین ایمان و به تبع آن سبک زندگی در بیانیه گام دوم چنین ذکر شده است: رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است؛ و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

امروزه سبک زندگی اسلامی مورد هدف دشمن واقع شده باهدف دستیابی به سیاست‌های ضد اسلامی. در بیانیه گام دوم آمده است که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است. «در مقابل هجمه به سبک زندگی اسلامی، دفاع کردن و دور خود حصار کشیدن کافی نیست، بلکه می‌توان با تبیین سبک زندگی اسلامی و بیان مفاهیم

و مبانی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی در قالب شعر به وظیفه خود عمل کرد (بیانات رهبری در دیدار جمعی از شاعران مذهبی سرا، ۹۵/۱۲/۵). در این راستا بر آنیم تا در این نوشتار به بیان نقش وعده‌های الهی در سبک زندگی اسلامی در ابعاد فردی و جمعی بپردازیم هرچند که ادای حق مطلب در این مقال نمی‌گنجد.

الف) زندگی فردی

انسان مؤمن آنگاه که در مسیر دین قدم بگذارد باید قرآن را سرلوحه خود قرار دهد. آیات قرآن هم دربردارنده انذار و هم تبشیر است. انذارهای آن بازدارنده از ناپسند‌های دین و تبشیرهای آن پیش برنده به سوی مسیر حق خواهد بود. اولین مجال بروز آثار ایمان به بشارت‌ها و وعده‌های خداوند حیطة زندگی فردی است. در ادامه به برخی از جلوه‌های آن اشاره می‌شود:

تقویت ایمان

ایمان سبب اعتقاد و باور نسبت به وعده‌های خداوند می‌شود و همین وعده‌ها نیز سبب تقویت ایمان می‌گردد؛ به بیان دیگر این رابطه افزایشی دوسویه است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (حدید / ۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا بهره‌ای دوچندان از رحمتش به شما بدهد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند آمرزنده و مهربان است.

پاداش مضاعفی که در آیه آمده، پاداشی برای ایمان به انبیای پیشین و پاداشی برای ایمان به پیامبر اسلام ﷺ. این چنین وعده‌هایی سبب ازدیاد و عمق بخشی ایمان در دل مؤمن خواهد شد.

گمراهی بنی اسرائیل و گوساله پرستی ایشان، به سبب بی توجهی به وعده‌های خداوند

صورت پذیرفت و سبب بی‌صبری و بی‌تدبیری و در نتیجه نابودی ایمانشان گشت:

﴿... قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَ فَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي﴾ (طه / ۸۶)؛ ... گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت (جدایی من از) شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که از وعده من تخلف کردید؟!»

وعده‌های الهی، به‌رغم تردید اکثر مردم در آن، تحقق می‌پذیرد اما صبر می‌طلبد و ایمان راسخ:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم / ۶)؛ این وعده خداست و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

همانا خداوند ایمانشان را بی‌اجر نمی‌گزارد: ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (بقره / ۲۰۲)؛ این گروه به سبب آنچه انجام داده‌اند، نصیب و بهره‌ای (از فضل خدا) دارند و خداوند، سریع الحساب است.

ایجاد صبر

از شاخصه‌های زندگی مؤمنانه به سبک اسلامی، صبر است. وعده خداوند به نجات مؤمنان از دشمنان، مایه دلگرمی آن‌ها و نیز سبب افزایش صبر و استقامت‌شان در سختی‌ها و ناملایمت‌ها خواهد بود:

﴿ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ﴾ (انبیاء / ۹)؛ سپس وعده‌ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم. آن‌ها و هر کس را که می‌خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم و مسرفان را هلاک نمودیم!

وعده نصرتی که به مسلمین داده و فرموده بود که: دین ایشان را یاری خواهد کرد و کلمه ایشان را که کلمه حق است بلندآوازه خواهد نمود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۵۷).

﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ وَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء / ۸۸)؛ ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این‌گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

این یک برنامه اختصاصی برای «یونس» نبود بلکه، هرکدام از مؤمنان از تقصیر خویش، عذر به درگاه خدا آورد و از ذات پاکش مدد و رحمت طلبید، ما دعایش را مستجاب و اندوهش را برطرف خواهیم کرد. پس مؤمن باایمان به این وعده خداوند، نگران سختی‌ها و ناملایمات زندگی نخواهد بود.

وعده نیک الهی به مؤمنان، درپی دارنده آرامش یافتن آنان در قیامت است که جبران صبرشان در همه ناآرامی‌های دنیا است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ... لَا يُعْزِنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (انبیاء / ۱۰۱ - ۱۰۳)؛ وحشت بزرگ، آن‌ها را اندوهگین نمی‌کند و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (و می‌گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.

در آخرت، بشرهای صالح به زودی با شکر خدا از ایشان مواجه گشته و به هیچ ناملایمی برنمی‌خورند و مدام در نعمت و کرامت‌اند؛ و اما غیر صالحان، در عذاب و عقاب‌اند. این وضع آنان در آخرت و اما در دنیا که خدای عز و جل صالحان از ایشان را وعده داده که زمین را به ارث به ایشان دهد و خانه عاقبت را هم خاص ایشان کند؛ و طالحان و بدکاران را وعده داده که به هلاکت رساند و نابود سازد و سعی‌شان را بی‌نتیجه گذارد. کلمه (حسنى) مؤنث کلمه (احسن) است و وصفی است که در جای موصوف خود قرارگرفته و تقدیر آن (عدة الحسنی - وعده‌های نیک) و یا (موعدة الحسنی) می‌باشد، که عبارت است از نجات یا بهشت؛ و موعده به هر یک از این دو در کلام خدای تعالی آمده، یکجا فرموده «ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیا» و در جای دیگر فرموده «وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات

کلمه (حسیس) به معنای صوتی است که احساس شود؛ و کلمه (فزع اکبر) به معنای ترس بزرگ است که خدای تعالی خبر داده چنین ترسی در هنگام نفخ صور وقوع پیدا می‌کند و فرموده: «یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات و من فی الارض» و معنای این که فرمود «تتلقیهم الملائکة» این است که ملائکه ایشان را با بشارت استقبال می‌کنند و

می‌گویند «هذا يومكم الذي كنتم توعدون» این بود آن روزی که وعده داده می‌شدید (رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴).

رسیدن به آرامش

تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح هست که قطعاً تحققش مصداق اجر عظیم است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾ (نور / ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین، ... و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند....

مؤمن همواره در آرامش حاصل از یقینش به خداست. یقین به وعده آسانی امور به انفاق گران و متقین، از سوی خداوند نگرانی آن‌ها را از سختی امور به آرامش بدل می‌نماید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ (لیل / ۵)؛ اما آن‌کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، ﴿فَسَنِّيَسِرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ (لیل / ۷)؛ ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم.

گذر از سختی‌ها

در بیانیه گام دوم در اشاره به گذر از سختی‌های انقلاب چنین می‌خوانیم که زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشان، ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد. «انسان‌ها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده می‌کنند، مأیوس می‌شوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله ظلمات هست، ظالمان و تاریکی آفرینان هستند در دنیا و قرن‌های متمادی بوده‌اند اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است؛ این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ این وعده تضمین‌شده پروردگار است: **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ**

العِلْمُ الْمَتَّصِبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعِدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ؛ وعده تخلف ناپذیر الهی است. در اول زیارت [هم دارد]: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي صَمِنَهُ**؛ وعده‌ای که تضمین شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است؛ بنابراین این هم نکته دوم است. معتقدین به ظهور ولی عصر و وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند و می‌دانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد». (بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام) (۹۶/۲/۲۰)

وعده خداوند به وارث زمین شدن در آخرالزمان، از سوی بندگان صالح همواره امیدآفرین است و سبب گذر از سختی‌ها می‌شود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء / ۱۰۵)؛ در «زبور»

بعد از ذکر [= تورات] نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

اهل ایمان در مواجهه با دشواری‌های زندگی دست به دعا برمی‌دارند تا به این روش دل آرام کنند و عجز خود را به نمایش گزارند. دعا کردن باور به وعده اجابت دعا به درخواست‌کنندگان از سوی خدا است:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ

يُرْتَدُونَ﴾ (بقره / ۱۸۶)؛ و هنگامی‌که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم، دعای دعاکننده را، به هنگامی‌که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)

برخورداری از محبوبیت مردمی، وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار است که دل را گرم می‌کند به آن‌که در مسیر حق اگر با ناملایمتی و درشتی مواجه شدند، عزت دهنده مقتدر، بیننده و حافظ آن‌هاست:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَانُ وُدًّا﴾ (مریم / ۹۶)؛ به یقین کسانی که

ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به زودی خداوند رحمان محبتی برای آنان (در

دل‌ها) قرار می‌دهد!

وعده خداوند به جبران خسارت‌های مادی مؤمنان صدر اسلام، ناشی از قطع رابطه با مشرکان در همه دوران امیدبخش است که سختی‌هایی که از سوی دشمنان وضع می‌شود، از سوی خدای جبار جبران‌پذیر است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه / ۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاک‌اند پس نباید بعد از این سال به مسجدالحرام نزدیک شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به فضل (و کرم) خود بی‌نیاز می‌سازد (و از راه دیگر جبران می‌کند) خداوند دانا و حکیم است.

خدای دانا به همه ابعاد و مراحل زندگی انسان و سختی‌های محتمل آن عنایت دارد. وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج، در صورت رعایت عفت و پاک‌دامنی مثالی است مناسب:

﴿وَلِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ (نور / ۳۳)؛ و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند....

اما یکی از ارکان گذر از سختی‌ها امیدواری است که در بیانیه گام دوم چنین به آن توصیه شده است: در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.

برکت در رزق و روزی

از جمله نصرت‌های الهی برای نیکوکاران، افزایش و برکت در رزق و روزی آن‌هاست که در موارد متعددی در قرآن وعده داده شده است؛ از جمله آیات ۱۵۱ سوره انعام و نیز ۳۱ سوره اسراء و همچنین ۱۳۲ سوره طه و ۶۰ سوره عنکبوت.

آسان شدن امور، وعده الهی به مؤمنان است تا بدون بیم از تنگی رزق و به امید گشایش

چرخه روزی را به گردش درآورند:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (طلاق / ۷)؛ آنان که امکانات وسیعی دارند، باید (برای زنان شیرده) از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست‌اند، از آنچه خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند خداوند هیچ‌کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند، خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد.

وعده خداوند به رفاه و آسایش نوح و همراهان وی در کشتی مثالی است که قابل‌تعمیم برای همه مؤمنان در همه دوره‌ها است:

«قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ...» (هود / ۴۸)؛ (به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو، فرود آی!...»

بدون شک، «طوفان» همه آثار حیات را در هم کوبیده بود و طبعاً زمین‌های آباد، مراتع سرسبز و باغ‌های خرم، همگی ویران شده بودند و در این هنگام، بیم آن می‌رفت که نوح و یارانش از نظر «زندگی» و «تغذیه» در مضیقه شدید قرار گیرند، اما خداوند به این گروه مؤمنان اطمینان داد که، درهای برکات الهی به روی شما گشوده خواهد شد و از نظر زندگی هیچ‌گونه نگرانی به خود راه ندهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۲۵، ص ۵۳).

وعده الهی به برخوردار نمودن بنی‌اسرائیل از رحمت خاص خود در دنیا و آخرت، در صورت رعایت تقوا، ایمان و پرداخت زکات مؤدیه‌ای به پرداخت‌کنندگان زکات است که تسلیم امر خداوند خود شده‌اند:

﴿...وَرَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلِّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف / ۱۵۶)؛ ... و رحمتم همه‌چیز را فراگرفته و آن را برای کسانی که تقوا پیشه کنند و زکات بپردازند و کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرّر خواهم داشت.

وعده خداوند به برخوردار ساختن مؤمنان انفاق‌گر، از رحمت خویش سبب تقرب

روزافزون ایشان گشته که به اذن الهی سبب روزی‌رسانی به دیگران شده‌اند:

﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه / ۹۹)؛ گروهی (دیگر) از عرب‌های بادیه‌نشین، به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا و دعای پیامبر می‌دانند، آگاه باشید این‌ها مایه تقرب آن‌هاست! خداوند به زودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت، به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.

سعادت اخروی

آن‌که یقین دارد به وعده‌های پروردگارش ترسی از روز حسابرسی نخواهد داشت زیرا دلگرم به وعده خداوند به‌قرار گرفتن مؤمنان دارای عمل صالح در زمره صالحان است که وعده‌ای تخلف‌ناپذیر است:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾ (عنکبوت / ۹)؛ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، به یقین آن‌ها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد. و در نهایت، سپاسگزاری تقوای پیشگان از خداوند، به علت تحقق یافتن وعده‌های الهی درباره آن‌ها:

﴿وَسَيَقُولُ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (زمر / ۷۳)؛ و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه‌گروه به سوی بهشت برده می‌شوند؛ هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ (زمر / ۷۴)؛ آن‌ها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و این سرزمین را میراث ما قرار داد که هر جای بهشت را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم و چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان!»

رسیدن به حیات جاودان

و سرانجامشان حیات جاودان در باغ‌های بهشت، با نهرهای روان است به سبب باور و ایمان راسخ‌شان به وعده‌های الهی؛ زیرا باورشان به این وعده‌ها سبب برگزیدن این نوع زندگی دنیوی شد و پیش‌روی در این مسیر همان کوششی است که منتهی به جمع‌آوری روزافزون زاد و توشه برای سرای آخرت و حیات ابدی در آن خواهد شد:

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره / ۲۵)؛ به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت‌ده که باغ‌هایی بهشتی برای آن‌هاست که نهرها از پای درختانش جاری است. هر زمان که میوه‌ای از آن، روزی آنان شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود. (ولی این‌ها چقدر از آن‌ها بهتر و عالی‌تر است.)» و میوه‌هایی که برای آن‌ها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسان‌اند؛ و برای آنان همسرانی پاکیزه است و جاودانه در آن خواهند بود.

ب) زندگی خانوادگی

در سبک زندگی اسلامی، خانواده جایگاه ویژه و حائز اهمیتی دارد؛ لذا در دستورات و وعده‌های قرآن، مواردی در این خصوص می‌یابیم که به برخی از آنان اشاره می‌رود:

موفقیت در ازدواج

«انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. این که خدای متعال می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، این یک وعده الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی‌شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند.» (بیانات رهبری در

دیدار دانشجویان، ۹۳/۵/۱)

وعده خداوند به تأمین نیازمندی‌های فقیران غیر متأهل، در صورت اقدام به ازدواج سبب تصمیم‌گیری آنان بر مبنای آموزه‌های اسلامی خواهد شد و آنان را به گزینش این عمل سوق خواهد داد:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور / ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است.

تعالی روابط خانوادگی

مؤمن، احسان به والدین و یا ایثار و از خودگذشتگی در زندگی زناشویی را با جان و دل و بی‌منت پذیرا است؛ زیرا طرف معامله خود را خداوندی رحیم می‌یابد:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن / ۶۰)؛ آیا جزای نیکی جز نیکی است!؟

این استفهام انکاری است و می‌خواهد احسانی را که خدا با دادن بهشت به اولیای خود کرده بود و نعمت‌های گوناگونی که در آن بهشت قرار داده بود تعلیل کند و بفرماید علت این احسان‌ها آن بود که ایشان نیز اهل احسان بودند، یعنی با ترس از مقام پروردگارشان هر چه می‌کردند احسان بود. البته از این آیه شریفه تنها این مقدار استفاده می‌شود که احسان بنده بدون تلافی و جبران نیست، خداوند پاداش آن را به احسانی نظیر آن می‌دهد؛ و اما نکته دیگری که از آیات دیگر استفاده می‌شود که احسان خدا بیش از احسان بنده است و اضافه بر جزای اعمال او است، در این آیات متعرضش نشده، مگر این که بگوییم: احسان از ناحیه خدای تعالی وقتی تمام می‌شود که بیشتر از احسانی باشد که محسنین و نیکوکاران در راه او می‌کنند، پس جمله "الا الاحسان" دلالت بر این زیادتی هم دارد.

﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (بقره / ۸۳) از این آیه و آیات مشابه معلوم می‌شود که عقوق والدین بعد از شرک به خدا در شمار بزرگترین گناهان و یا خود این از بزرگترین آن‌ها

است و از آن طرف هم معلوم می‌شود که واجب‌ترین واجب‌ها احسان به پدر و مادر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۵).

ج) زندگی اجتماعی

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (رک: بیانیه گام دوم انقلاب).

انسان موجودی اجتماعی است و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وی نسبت به اجتماع پیرامونش، امری بدیهی است. این تأثیر می‌تواند مثبت و در جهت کمال او باشد و یا منفی و مسبب پسرفت؛ همچنین شعاع این اثر، ممکن است محدود باشد و یا گسترده و وسیع. آنچه جامعه اسلامی را همسو و یکپارچه می‌کند، درون‌مایه اسلام است که هر فرد به اختیار و انتخاب خود به آن عمل می‌کند؛ لذا در بیانیه گام دوم مطرح شده است که انقلاب اسلامی تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. در نتیجه ایمان به وعده‌های الهی که از همان اسلام سرچشمه می‌گیرد، در بعد اجتماعی نیز تأثیرگذار و محل تأمل است:

بهبود شرایط اقتصادی

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید (رک: بیانیه گام دوم انقلاب). از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های نظام اجتماعی، اقتصاد سالم و بارور است که در سایه آن، امنیت، سلامت، رشد علمی و صنعتی، آبادی و

عمران... محقق می‌گردد؛ پس هم می‌تواند نقطه ضعف محسوب شود و هم نقطه قوت. در بیانیه گام دوم در خصوص عدالت و موفقیت‌های اقتصادی چنین آمده است که انقلاب اسلامی کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور و از مناطق مرّقه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است.

«خلاصه عرض ما در باب مسائل اقتصادی کشور این است که کشور به برکت ظرفیت‌ها، توانایی غلبه بر مشکلات اقتصادی را به‌طور کامل دارد. ظرفیت‌ها را شناسایی کنیم، توانایی‌ها را احصاء کنیم، تجربه‌ها را مدنظر قرار بدهیم و از همه این‌ها بالاتر، نصرت الهی را فراموش نکنیم. ما برای اعلاء کلمة‌الله داریم تلاش می‌کنیم، ما دنبال قدرت مادی و این چیزها نیستیم؛ ما می‌خواهیم اسلام سربلند بشود، ما می‌خواهیم شریعت اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند؛ ما می‌خواهیم در دنیایی که مادی‌گری و فساد و انحراف‌های گوناگون از غرایز بشری آن را فراگرفته، یک حکومتی، یک جامعه‌ای، یک کشوری درست کنیم که با احکام دین اداره بشود؛ دنبال این هستیم. تا یک حدودی هم موفق شده‌ایم، در یک مواردی هم ناموفقیت داریم که تلاش می‌کنیم ان‌شاءالله در آن بخش‌هایی هم که موفق نبوده‌ایم موفق بشویم؛ هدف ما این است. با این هدف، نصرت الهی قطعی است؛ خدای متعال وعده کرده و وعده الهی هرگز خلاف در نمی‌آید.» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۹۷/۳/۲)

به عبارت دیگر، مؤمنان در زندگی اجتماعی به سبک اسلامی دچار مشکل حل‌نشده‌ای

درزمینه اقتصادی نخواهند شد، زیرا با پرداخت خمس و زکات و قرض‌الحسنه به امید بشارت‌های قرآنی و نیز دوری از ربا از بیم اندازهای قرآن، چرخه اقتصادی سالم و در گردش خواهد داشت.

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجُمُعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انفال/۴۱)؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آن‌ها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست!

آیه ۲۴۵ سوره مبارکه بقره به قرض‌الحسنه اشاره می‌کند، قرض نیکویی که می‌تواند هم در دنیا و هم در آخرت موجب برکت و منفعت شود.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (بقره / ۲۴۵)؛ کیست که به خدا قرض نیکویی دهد، (و بدون منت، انفاق کند) تا خداوند آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که (روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی کسی نمی‌شود)؛ و (سرانجام همگی) به سوی او بازمی‌گردید.

مواجهه با جبهه باطل

ارتباطات جامعه را در دو حیطه می‌توان بررسی نمود: ارتباطات داخلی که در جامعه اسلامی بر مبنای آموزه‌های اسلام شکل می‌گیرد و ارتباطات خارجی که شکل‌دهی آن بر این مبنا، دشوارتر است چون طرف دوم رابطه الزاماً معتقد به این آموزه‌ها نخواهد بود. «خدای متعال خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکّرر به آن توصیه می‌کند. آیه تکان‌دهنده اول سوره مبارکه

احزاب: پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ کَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا، ما می‌دانیم مشکلات تو را، ما می‌دانیم فشارهایی که بر تو وارد می‌کنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید می‌کنند، تطمیع می‌کنند - اما شما مراقب امر و نهی الهی باش، اَتَّقِ ا...، حواست جمع باشد. وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ؛ این اطاعت نکردن از کافران، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می‌زند.» (بیانات رهبری، ۳/۳/۹۵)

حضور دشمن و جبهه کفر مایه تعجب نیست چون هر چیزی با ضد خودش شناخته می‌شود و تا باطل نباشد، حق جلوه‌گر نخواهد شد. حال چیزی که عیار مؤمن را می‌سنجد، ایمان او به وعده الهی است در این برهه خطیر. اگر استقامت، صبر و مبارزه صورت پذیرفت، پیروزی محقق شده است؛ خواه جلوه ظاهری نیز رنگ پیروزی داشته باشد، خواه نداشته باشد؛ اما اگر وسوسه‌ها بر ایمان غلبه کرد و ضعف و ناامیدی چیره شد، آن‌گاه از مسیر زندگی اسلامی انحراف ایجاد خواهد شد. در جریان این مبارزه تمام عیار و همه‌جانبه اما وعده پیروزی تنها در صورت رعایت شرایط خود محقق خواهد شد. «خدای متعال تضمین نکرده است که چون برحقید، حتماً پیروز خواهید شد؛ نه پیروزی خواهد رسید، چون در جبهه حق ایستادگی و استقامت شده است.

قطعاً وعده خداوند حق است که «**اِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**». همت ما باید این باشد که ان تنصروا الله را تأمین کنیم؛ خدا را نصرت کنیم. اگر نیت ما، عمل ما، حرکت ما تطبیق کند با ان تنصروا الله، دنبالش ینصرکم حتماً وجود دارد؛ وعده الهی تخلف‌ناپذیر است؛ اما این که لایق تحقق این وعده باشیم یا نه این به اختیار و انتخاب ما، برمبنای باور و ایمانمان برمی‌گردد.

نمونه چنین ایستادگی را در دوره‌های مختلف تاریخی و به‌خصوص در دوره معاصر بارها شاهد بوده‌ایم؛ «گر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش‌بین باشیم و مقدمات آن وعده را فراهم بکنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: اِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ. اگر شما دین خدا را نصرت کنید و انگیزه‌های الهی را تقویت کنید،

قطعاً خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد؛ کسی را هم که خدای متعال نصرت بکند، هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند او را تضعیف بکند؛ روزه‌روز قوی‌تر و پیروزتر خواهد شد (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۱/۵/۹۵).

البته لازم به ذکر است همانگونه که در بیانیه گام دوم ذکر شده است، انقلاب اسلامی در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.

در این نوع ارتباطات که طرف مقابل از جبهه مشرکین یا منافقین باشد، توجه به وعده‌های الهی هم راهنما و راهگشا در پیش‌روی مسیر سبک زندگی اسلامی خواهد بود و هم دلگرم‌کننده و امیددهنده به آن‌که سختی‌های این مواجهه به خیر و سعادت منتهی خواهد شد. مقابله با دشمنان مراحل و مراتبی دارد که با تعمق در آیات قرآن می‌توان سرمشق درستی دریافت نمود:

دفع شر: وعده خداوند به حضرت محمد ﷺ مبنی بر دفع شر نصرانیان و یهود از ایشان، وعده‌ای امیدبخش برای مؤمنان است که زمینه‌ساز شکست دشمنان می‌شود:

﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره / ۱۳۷) گر آن‌ها به مانند آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید ایمان بیاورند، هدایت یافته‌اند و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده‌اند و خداوند، شر آن‌ها را از تو دفع می‌کند و اوست شنوای دانا.

شکست کافران: ایمان به وعده‌های خدا در مورد نصرت جبهه حق، زمینه‌ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی در مؤمنان است، کسانی که دشواری‌ها را به جان خریدند اما از مسیر اسلام منحرف نشدند و زندگی‌شان قرین آموزه‌های قرآنی است:

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾ (روم / ۶۰)؛ اکنون که چنین است

صبر و استقامت پیشه کن که وعده خدا حق است و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و سبک نشمارند)!

شکست کافران، وعده خداوند به مؤمنان عصر بعثت است که سرانجام در همه دوران محقق خواهد شد و دشمنان اسلام عاقبتی جز شکست نخواهند داشت:

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتْغَلِبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ يُنْسِ الْمِهَادُ﴾ (آل عمران / ۱۲)؛ به کسانی که کافر شدند بگو: «از پیروزی موقت خود در جنگ اُحُد، شاد نباشید». به زودی مغلوب خواهید شد و (سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد؛ و چه بد جایگاهی است!»

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾ (انبیاء / ۱۸)؛ بلکه ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را هلاک می‌سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود؛ و وای بر شما از وصفی که می‌کنید!

این آیه شریفه نوید قطعی آمدن حق و اضمحلال و هلاکت باطل را می‌دهد. (چون هرگاه بخواهند خبر قطعی از وقوع عملی بدهند با فعل ماضی می‌آورند.) خداوند برای روشن کردن چگونگی تحقق این وعده، باطل را به کف‌هایی تشبیه می‌کند که بر روی آب غوطه‌ورند و از بین می‌روند و حق را به آبی تشبیه می‌کند که سودمند است و در زمین باقی می‌ماند و یا فلزاتی که به وسیله آتش ذوب می‌شوند تا از آن‌ها زینت‌آلات و یا وسایل زندگی بسازند آن‌ها نیز کف‌هایی همانند کف‌های آب دارند. (رعد/۱۷)

تشبیهی که خداوند ذکر کرده است، برای فهم این‌که چرا حق ماندنی و باطل از بین رفتنی است ما را کفایت می‌کند. حق همچون آب و فلزاتی است که واقعیت دارد و باقی می‌ماند و باطل همچون کف‌های روی آب است که محکوم به هلاکت است. حق همچون آب و فلزات است که مفید، سودمند و باثبات است و باطل همچون کف‌هایی است که گرچه پرسروصداست اما توخالی، بی‌ریشه، بی‌فایده و بالاخره نابودشدنی است. چون حق ریشه‌دار و باطل بی‌ریشه است. همان‌طوری که آب و فلزات موجب نابودی کف‌ها

می‌شوند، در جریان حق و باطل نیز حق است که به باطل چیره می‌شود و باطل را از بین می‌برد. همچنان که خداوند می‌فرماید:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...﴾

در آیه مورد بحث نیز خداوند خبر از آمدن حق و نابودی باطل می‌دهد، با توجه به مطالبی که بیان شد روشن می‌شود که چون حق توأم با واقعیت، صدق، درستی، دارای عمق و ریشه، هماهنگ با قوانین خلقت، باثبات، سودمند و از جانب خدا و تاییدات اوست، باقی می‌ماند و چون باطل امری موهوم، ساختگی، بی‌ریشه، میان‌تهی، بی‌فایده، ناهماهنگ با آفرینش، بی‌ثبات و از جانب شیطان است، از بین رفتنی است.

نکته قابل توجه در این آیه و امثال آن این است که در این جا سخن از سیطره حق بر باطل نیست؛ بلکه سخن از ظهور مطلق حق و نابودی کامل باطل است. باطل ممکن است مدت کوتاهی جلوه‌گری کند، اما بالاخره عمر او کوتاه است و خاموش می‌شود. حق همانند درخت ریشه‌دار و پرباری است که طوفان‌ها و تندبادهای سهمگین هم نمی‌تواند او را از جا برکند و باطل همانند درخت بی‌ریشه‌ای است که از زمین کنده شده و هیچ رشد و نمو و ثمره‌ای ندارد و از ثبات و قرار محروم است (هادیان، ۱۳۷۷، شماره ۷، ص ۵۸).

پیروزی: سرانجام زندگی اسلامی و تبعیت از آموزه‌های قرآن، پیروزی است که نصیب مؤمنان می‌شود. «این معیت خدای عزوجل با مؤمنین، با پیامبران، با همراهان و اصحاب پیامبران، یک چیزی است که خدای متعال مکرر در قرآن آن را به رخ کشیده. آن وقت نتیجه این شده که پیغمبران به این وعده صادق الهی اعتماد کردند در این آیه شریفه که «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ * قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ به مجردی که دیدند که سیاهی لشکر فرعون از دور پیدا شد و الان است که برسد - جلوی شان دریا، پشت سرشان لشکر فرعون - دل‌ها لرزید، [گفتند] «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»؛ پدرمان درآمد. این جا حضرت موسی به اعتماد همان وعده الهی می‌گوید: کَلَّا؛ چنین نیست؛ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ. یا پیغمبر اکرم در غار ثور؛ ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ

هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا؛ به اعتماد همین وعده الهی، پیغمبر اکرم می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ ناراحت نباش، محزون نباش. پس هم خدای متعال این وعده را به طور قطعی داده است، هم اولیای الهی [مانند] حضرت موسی و پیغمبر اکرم این وعده را باور کرده‌اند و قبول کرده‌اند و به آن ترتیب اثر داده‌اند؛ و این یک حقیقت و یکی از سنت‌های قطعی تاریخ است؛ این یکی از آن سنت‌هایی است که ﴿لَنْ نَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾؛ بلاشک این همیشه هست. (بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۹۶/۱۲/۲۴)

وعده «نجات» و «نصرت» مؤمنین از این جمله‌اند:

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس / ۱۰۳)؛ سپس (هنگام نزول بلا و مجازات)، پیامبران خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می‌آوردند، نجات می‌دادیم و همین‌گونه، بر ما لازم است که مؤمنان (به تو) را (نیز) نجات بخشیم.

﴿... فَأَنْتَقِمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم / ۴۷)؛ و پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم آن‌ها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندر زها سودی نداد) مجرمان را مجازات کردیم (و مؤمنان را یاری نمودیم) و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما.

عذاب و هلاکت ستم‌پیشگان، وعده خداوند به رسولان خویش از مصادیق همین پیروزی است:

﴿وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِيَتْرَوْا مِنْهُ الْجِبَالُ* فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ (ابراهیم / ۴۶ - ۴۷)؛ آن‌ها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند و همه مکرها (و توطئه‌هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکنند! * پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چراکه خداوند قادر و انتقام‌گیرنده است.

داوری: پس از غلبه بر دشمنان داوری میان مؤمنان و کافران، از سوی خداوند، مورد

وعدۀ به پیامبر ﷺ است که شامل جنبه حق می‌گردد تا آنچه شایسته است نصیب مؤمنین شود؛ اما لازمۀ اش توکل بر خدا است که یکی از شاخصه‌های زندگی اسلامی است و همواره در زندگی مؤمنان سرشار است:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾ (نمل / ۷۸)؛ پروردگار تو میان آن‌ها در قیامت به حکم خود داوری می‌کند؛ و اوست توانا و دانا. ﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ﴾ (نمل / ۷۹)؛ پس بر خدا توکل کن، به یقین تو بر حق آشکار هستی.

خلافت: و سرانجام خلافت و وراثت مستضعفان در زمین، مورد وعدۀ خداوند است که کمال زندگی آدمی را تحقق می‌بخشد و سبک زندگی اسلامی را همان‌گونه که باید، به عرصه می‌نشانند؛ به‌گونه‌ای که تمام مظاهر و آموزه‌های اسلامی بدون هرگونه نقص و تحریف، متجلی می‌شود:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص / ۵)؛ ما اراده کرده‌ایم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

روزگاری که تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش در آن، وعدۀ خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾ (نور / ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعدۀ داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت....

باشد تا در پرتو الطاف پروردگار در تحقق وعدۀ هایش و با سبک زندگی اسلامی، شاهد چنین دوران باشکوهی باشیم.

نتیجه

طبق آنچه گذشت و بررسی آیات قرآن در زمینه‌های مختلف، مشخص گردید که وعده‌های الهی به‌عنوان مشوق‌های مؤثری در تحقق و شکل‌گیری سبک زندگی مؤمنانه به طریقت اسلامی، عمل نموده و ایمان به این وعده‌ها در تمام ابعاد فردی و جمعی زندگی بروز می‌یابند و به‌تبع آن، عمل صالح و انتخاب‌های درست، سبب رسیدن به حیات طیبه هست که همین از وعده‌های الهی است که تحققش همان سعادت و کمال آدمی است. این وعده‌ها در همه مراحل زندگی راهگشا و راهنما بوده که می‌توان با تعمق در آن‌ها و نیز مثال‌های قرآنی مرتبط، درست و نادرست را در تصمیم‌گیری‌ها تمیز دهیم؛ به‌طور مثال در مواجهه با جبهه باطل که همیشه در جایگاه دشمنی با جبهه حق است، به‌صورت آشکاری رهنمون پیروزی هستند و نیز سبب دلگرمی و امیدواری مؤمن می‌شود؛ تا در پرتو عنایات حق تعالی صبر پیشه کند تا به سعادت جاودان برسد. لذا انقلاب اسلامی با فراهم نمودن بستری امن و مناسب نقشی کلیدی در تحقق و تجلی این سبک زندگی در کشور ما داشته است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیت ا... ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه
۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، طرح اندیشه کلی اسلامی در قرآن، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین؛ ۱۳۷۴ ش، ترجمه المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، ج ۱۰، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۵. غیاثی کرمانی، سید محمدرضا، ۱۳۸۹؛ لغتنامه قرآن کریم، قم، چاپ اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۶. قرشی، سید علی اکبر؛ ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، تهران، ج ۷، چاپ ششم، دارالکتب الإسلامية.
۷. مصطفوی، حسن؛ ۱۳۸۰ ش، تفسیر روشن، تهران، ج ۳، چاپ اول، مرکز نشر کتاب.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲، پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن، ج ۵، چاپ دوم، مطبوعاتی هدف.
۹. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، ج ۱۰، دارالمکتب الاسلامیه.
۱۰. معین، محمد؛ ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، تهران، ج ۱، چاپ چهارم، ادنا: کتاب راه نو.
۱۱. مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۸۷، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.
۱۲. مهدیان فر، رضا، ۱۳۹۴، رویکرد تطبیقی به پایان تاریخاز نگاه قرآن و نظریه‌های معاصر، قم، چاپ اول، مؤسسه آینده روشن.
۱۳. هادیان، عبد الرسول، ۱۳۷۷، پیروزی نهایی حق بر باطل، مجله موعود فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره ۷.
۱۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳ ه. ش، فرهنگ قرآن، قم، چاپ دوم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۵. رحیم پور ازغدی، چیستی سبک زندگی اسلامی ایرانی، ۲۷ شهریور ۱۳۹۲، <http://www.sccr.ir>
۱۶. منگالی، زهرا، مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌های معنوی، ۲۷ مهر ۱۳۹۶، <http://pmbo.ir>